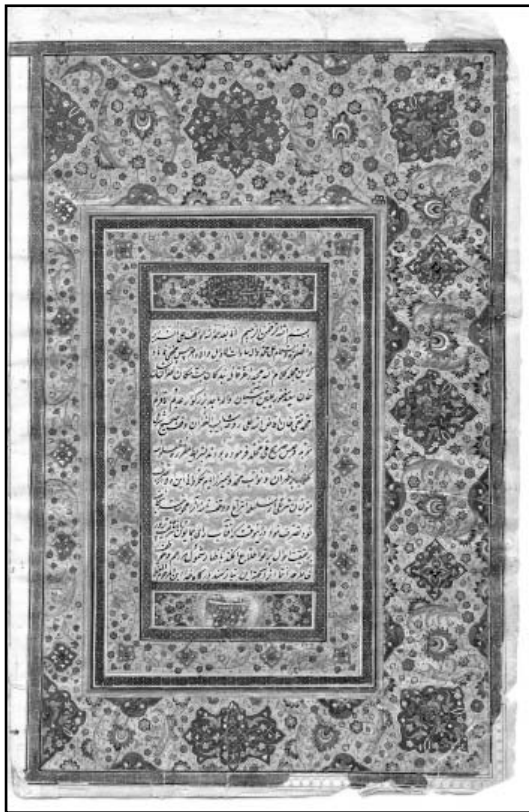


قرآن وقف تلاوت امام زمان (عج) ظرایف هنری و دقایق تاریخی^۱

■ داود نظریان

کارشناس ارشد هنری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

نکته حائز اهمیت در
کتابت چگونگی و نوع
خطوطی است که
استفاده می شده است
و این که باید مصحف
کریم را با خطی
خوش، خوانا و روشن
و درشت نگاشت



تکامل و تحول خطوط اسلامی (اقلام سته) و آرایه‌های قرآنی جلوه نمود.

نکته حائز اهمیت در کتابت چگونگی و نوع خطوطی است که استفاده می شده است و این که باید مصحف کریم را با خطی خوش، خوانا و روشن و درشت نگاشت؛ چنانچه آورده‌اند امیرالمؤمنین علی (ع) از مصاحفی که به خط ریز نوشته شده بود اکراه داشتند.

باری نسخه‌هایی از قرآن که پس از حوادث روزگار به دست ما رسیده؛ چه نسخه‌های منسوب به حضرت علی (ع) و ائمه معصومین علیهم‌السلام و چه نسخه‌هایی از دیگر کاتبان نشان می‌دهد که قرآن کریم را با خطی استوار و زیبایی می‌نگاشته‌اند. پس از ظهور ابن مقله (محمد بن علی بن حسین ۲۷۲ - ۳۲۸

مقدمه

در راستای روند گزینش و نشر مصحف مجلس شورای اسلامی که در پی مطالعه، بررسی و مشاهده مصاحف موجود در گنج‌خانه خطی کتابخانه مجلس و برگزاری جلسات شور و کارشناسی با شرکت استادان و کارشناسان خوشنویسی، تذهیب، تصویربرداری و نشر منجر به انتخاب مصحفی موسوم به قرآن امام زمان (عج) شد، نگارنده که افتخار حضور در تمامی مراحل این کار مبارک را داشت بر آن شد با استفاده از کلام و تصویر، ظرایف و دقایق از صورت زیبا و داستان ایجاد و سرگذشت این مصحف ویژه از کلام‌الله مجید را از نظر مشتاق خوانندگان عزیز بگذرانم. نخست برای ترغیب اشتیاق ذهنی و حس و حال هنری عزیزان گریزی می‌زنم به تأثیر و نقش قرآن کریم در هنر خط و خوشنویسی و آرایه‌های وابسته به آن همچون تذهیب، ترصیع و تجلید ...

چون ز نفس وحدبتش آبی تنگ

به کلام قدیم کن آهنگ

مصحفی جو، چو شاهد مهوش

بوسه زن درکنار خویشش کش

شاهدی گل عذار و مشکین خط

چهره آراسته به عجم و نقط

بلکه باغ بهشت و روضه حور

سبزه‌اش مشک و تربتش کافور

جدولش چون چهار جوی بهشت

فیض بخش از چهار سوی بهشت

گرد جدول نقوش اعشارش

رُسته گلهاست گرد انهارش^۲

خط؛ تنها نمایشگر کلام‌الله مجید

«از نخستین کتابت قرآن کریم که حافظان کلام وحی آن را از سینه‌های خویش بر روی الواح منتقل می‌کردند تا زمان ابداع فن چاپ و نشر، قرآن کریم با بهره‌گیری از خطوط مختلف نگاشته می‌شد و به تدریج تعلق خاطر و احترام هنرمندان مسلمان و بهره‌گیری از تمام یافته‌های زیبایی‌شناختی و نوآوری هنری در

نخستین مصاحف

موجود که از قرون

دوم و سوم هجری

به جای مانده نشان

می‌دهد که تزئین و

آراستن اوراق و جلد

قرآن رواج نداشته

ولی بنا به بعضی

روایات مسلمانان

صدر اسلام تزئین

مصحف را با نقره

جایز می‌شمرده‌اند اما

طلا مورد اختلاف بوده

است

هق) و ابن بواب (ابوالحسن علی بن هلال کاتب بغدادی ۴۱۳ یا ۴۲۳ هـ) مصحف را در کمال زیبایی و استواری به کتابت برگرفتند و از آن پس در قرون پنجم تا سیزدهم خوشنویسان نامداری چون یاقوت مستعصمی و ده‌ها خوشنویس دیگر بارها به کتابت قرآن پرداختند و از جهت بهره‌وری از پاداش معنوی عمر پربرکتشان را صرف نگارش قرآن می‌کردند و با توجه به این نکته بعید نیست که خازن (ابوالفوارس حسین بن علی بن حسین) پانصد نسخه قرآن و آقا محمد شیرازی نزدیک به چهار صد نسخه و یاقوت مستعصمی (جمال‌الدین ابوالمجد بن عبدالمتوفی ۶۹۸ هـ) نیز که دو خط نسخ و ثلث را در نهایت زیبایی و دقت می‌نوشت، نزدیک به ۳۶۴ نسخه از قرآن کریم را کتابت کرده باشد.

این توجه و تعلق صمیمانه خوش‌نویسان مسلمان به قرآن مجید سبب شد تا آنان با تحول و تطور انواع خطوط اسلامی خوشنویسی را با توجه به الهامات قلبی و با نمایش آن توسط آیات و سوره قرآنی به مرحله‌ای برسانند که به عنوان اصیل‌ترین هنر اسلامی در تمدن بشری شناخته شود». (مایل هروی، ۱۳۸۶ مجله میراث جاویدان، ش ۵۸، ص ۱۸)

«بی‌پیرایه‌ترین هنر اسلامی یعنی خوشنویسی حقیقت اسلام را متجلی می‌کند در حالی که هیچ کدام از هنرهای تجسمی اسلامی مستقیماً ظاهر کلمات قرآن را تصویر نمی‌کنند، فقط خط است که کلمات خدا را مستقیماً به نمایش درمی‌آورد همین است که آن را در کنار معماری، عالی‌ترین و شریف‌ترین هنرهای تجسمی اسلامی کرده است.» (مددپور، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲ - ۲۰۱)

کلام‌الله مجید اوج جلوه‌گری هنر تذهیب و تجلید

نخستین مصاحف موجود که از قرون دوم و سوم هجری به جای مانده نشان می‌دهد که تزئین و آراستن اوراق و جلد قرآن رواج نداشته ولی بنا به بعضی روایات مسلمانان صدر اسلام تزئین مصحف را با نقره جایز می‌شمرده‌اند اما طلا مورد اختلاف بوده است؛ چنانچه عده‌ای آن را طلا جایز نمی‌دانستند و عده‌ای دیگر می‌پذیرفتند هر چند طلاکاری جلد را چون جدا از قرآن بود نمی‌پذیرفتند. به هر حال مصاحفی که از دو قرن اول و دوم به جا مانده نشان می‌دهد که فقط اعجام و اعراب و شد و مد قرآن را با رنگ‌هایی چون شنگرف و زنگار می‌گذارده‌اند که هر چند امروز این مورد هم از نظر هنری قابل تأمل است، در آن زمان به‌کارگیری این رنگ‌ها صرفاً برای ممتاز نمودن اعجام و اعراب صورت می‌گرفته است.

به هر حال از سده چهارم هجری به‌تدریج تزئین مختصر اوراق قرآن مجید آغاز شد و سوره‌ها را با خطی غیر از خط متنی کتابت کردند و آنها را بین کتیبه‌ای مستطیل دارای گره‌بندی‌ها و جداول تحریردار و گل و بوته و ترنج قرار دادند. در سده پنجم هجری که خوشنویسی قرآن راه کمال را می‌پیمود هنر تذهیب نسخه‌های قرآن نیز رواجی تام و تمام یافت؛ چنانچه نسخه‌های به جا مانده از این دوره بعضاً از نفایس هنری در تاریخ هنری اسلامی

به‌شمار می‌روند. بیشترین نسخ موجود قرآن از سده پنجم و ششم هجری با طلا و رنگ‌های دیگر چون زنگار، سرنج، شنگرف، لاجورد، سیلو، زعفران و غیره تزئین شده است. در سده هفتم که خط یاقوت در نسخ خطی رواج یافت تذهیب قرآن نیز رونق بیشتری گرفت. در قرن هشتم و پس از آن تا رواج فن چاپ، مذهبان، وراقان و نقاشان و جلدسازان بسیار توانمندی پا به عرصه هنر اسلامی گذاردند و هر یک بنا بر مقتضیات محل زندگی خود و با توجه به کمال حرمت قرآن در تذهیب و تزئین آن کوشیدند؛ آنها نقوش اسلیمی، ختائی، افشان‌گری، قطاعی، طلااندازی بین سطور، تشعیر، سوزن‌زی و دیگر یافته‌های هنری‌شان را آنچنان در تزئین به‌کار گرفتند که بدون تردید نه تنها نمایه و نمونه آنها را در کتاب‌های آسمانی و الهی پیش از قرآن نمی‌توان سراغ گرفت بلکه در هیچ کتاب و نگاشته‌ای این همه هنرنمایی را نمی‌توان یافت و هنر تذهیب را باید برآمده از گرایش و ایمان هنرمندان مسلمان به کلام خدای تعالی دانست که اگر چنین ایمانی نبود هرگز هنر ظریف، دقیق و زیبای نگارگری و تذهیب در تمدن اسلامی به این صورت رشد و نمو پیدا نمی‌کرد. جای دارد که اگر پیشینیان، بحث بلاغت را در زمینه علوم قرآنی پیش کشیده‌اند، محققان نیز زیبایی‌شناسی نسخه‌های قرآن را جزء علوم صوری قرآن مجید به‌شمار آورند» (مایل هروی، ۱۳۸۶ مجله میراث جاویدان، ش ۵۸، ص ۲۷ - ۲۱).

ظرایف هنری مصحف امام زمان (عج)

این قرآن در قطع رحلی و به ابعاد ۲۱ × ۳۲ سانتیمتر پدید آمده است. خط متن قرآن، نسخ ایرانی^۳ و به قلم توانمند میرزا احمد نیریزی^۴ سرآمد کاتبان، نسخ‌نویس قدیم و جدید است. مرحوم نیریزی این مصحف را نیز با شیوه منحصر به فردش قلم زده است؛ قلمی بسیار روان، خوانا و موزون. فواصل حروف و کلمات از یکدیگر آنچنان مناسب و بجاست که نگاه خواننده کلام‌الله را از آرامش و رخوت و لذتی غریب سیراب می‌کند. اوج زیبایی و قوت خط میرزای نیریزی را در دو صفحه متقابل فاتحه‌الکتاب و آیات طلّیعه سوره مبارکه بقره (سرفصل) می‌توان دید. شدت درخشندگی و سیاهی مخمل‌گونه مرکب به‌کاررفته نیز جلوه‌گری خط را دو چندان می‌کند.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این قرآن رنگ‌آمیزی کاغذ زمینه متن در ابعاد ۱۱ × ۱۸/۵ سانت به رنگ نخودی سیر یا اخرای روشن است که علاوه بر ایجاد تنوع و گریز از یکنواختی و نیز کاستن از تضاد رنگی، با هدف آرام‌بخشی به دیدگان قاری کلام‌الله اجرا شده است. با دقت موشکافانه در بافت و تار و پود کاغذ ظریف دست‌ساز ایرانی از جنس کنف، در قسمت حاشیه و متن که فقط در مقابل نور و با ذره‌بین قابل رؤیت است^۵، (فضائلی، ۱۳۵۰، ص ۳۵۳) به شاخصه‌های برجسته این زمینه رنگی - اوج مهارت و تسلط هنرمند وراق و صحاف در پیوند و وصالی لبه‌های کاغذ متن و حاشیه سفید صفحات قرآن - پی می‌بریم و همین

و گرم نیز رعایت نشده و رنگ‌های گرم غالب است.

گرچه نگارگر سعی در پرکاری و ریزه‌کاری داشته، این کار او منجر به نوعی شلوغی و یکنواختی در کار شده است. در این صفحات نگارگر با جدول کشی هر صفحه را به پنج قسمت قاب‌بندی تقسیم کرده، در حاشیه اصلی، نقوش اصلی و گل‌ها و شمشه‌ها و ترنج به کار برده، در حاشیه دوم همان نقوش را به صورت ریزتر کار کرده و در کادر وسط حتی وقفنامه مجدد با استفاده از دندان موشی و طلااندازی ثبت گردیده و در دو کتیبه بالا و پایین متن به ترتیب مهر مجتهد و حاکم شرع آن دوره حاج ربیع‌علی و عبدالرضا خان فرزند واقف نقش گردیده است.

تذهیب فوق‌العاده

زیبا و نفیس نقاشی

چیره‌دست صفویه

که رقمی از نام خود

را ننکاشته است و

همچون دیگر مذهبان

و نگارگران قرآنی

شاهکارهای خود را بی

هیچ شائبه‌ای مخلصانه

و گمنام در خدمت

آراستن و نوازش

کتابت خطوط کلام

الهی نهاده است

دو صفحه ما قبل وقفنامه مجدد نیز اختصاص به تکرار تحریر وقفنامه واقف اصلی با خط ثلث به شیوه سیاه‌مشق و پرنویسی و بدون گذاشتن فواصل خالی است (سواد بیش از بیاض). در اینجا متن وقفنامه اصلی با مرکب سیاه و آیات کلام‌الله به خط نسخ مسطر و اسامی متبرک جلاله و رسول اکرم (ص) و امام زمان (عج) و کلمات مهم با مرکب سرخ کتابت شده است. تذهیب حواشی این دو صفحه نیز منحصراً با طلا و به‌شیوه حل‌کاری و با استفاده از نقوش ختائی انجام شده که نشان‌دهنده تسلط نگارگر در بداهه‌سازی است و دو صفحه دیگر نیز با همین شیوه به صورت معادل و متقارن در انتهای کلام‌الله زیبایی خاصی به مصحف امام زمان (عج) داده است.

پس از خاتمه کتابت سور مبارک قرآن، دعاء مخصوص حضرت امام سیدالسادین (ع) در هفت صفحه با خط نسخ عالی و سپس در آخرین صفحه رقم کاتب با عبارت «کتابه اقل عبدالالله المحتاج لرحمة الله الملك الغنی احمد النیریزی فی سنه ۱۱۲۲ من الهجرة» کتابت شده و در زیر آن دعاها قبل و بعد از تلاوت قرآن که جای آن در طلبعه و خاتمه قرآن خالی بوده است به خط نسخ عالی با رقم محمد هاشم (لَوْ لَوْ) اصفهانی^۶ (فضائلی، اصفهان، ۱۳۵۰، ص ۳۵۵) با عبارت «حرره الأئم محمد هاشم فی ۱۲۰۰ من الهجرة النبویه» تکمیل شده است. مصحف امام زمان (عج) از جلدی نفیس و بدیع برخوردار است.

رویه بیرونی جلد از چرم سیه‌فام ساغری و داخل آن از چرم سرخ رنگی ساخته و پرداخته شده است. نقوش رویه بیرونی جلد تجسم نقش قالیچه‌ای است که به شیوه سوخت و قالب ضربی اجرا شده و حاصل آن کتیبه‌ها و نقوش برجسته طلایی در زمینه تیره با درخششی فوق‌العاده است. حاشیه لبه بیرونی جلد نیز با چرم سرخ رنگی ترمیم شده و پس از رنگ‌آمیزی سیه‌فام با نقش اسلیمی ختائی با طلا نقاشی شده و حاشیه کتیبه‌ای آن را با احادیث نبوی (ص) در مورد قرآن به خط ثلث با ترکیب‌بندی فوق‌العاده زیبا و به حالت برجسته که با استفاده از ده ترنج در هر رویه جلد به فواصل یکسان تقسیم شده‌اند تزئین کرده است. احادیث کتیبه‌ای منقوش عبارتند از:

قال النبی صلی‌الله علیه و آله و سلم: من جمع القرآن و ظنَّ فقیراً فقد حَقَّرَ عظیمًا؛

پیوند را در قسمت عطف با حاشیه نیز می‌بینیم چنانکه پس از گذشت بیش از سیصد سال کمترین خدشه و گسیختگی در آن پدید نیامده است؛ ابعاد حاشیه سفید در قسمت بالای متن ۷/۸ سانت، طرفین ۵/۷ سانت و پائین ۴ سانتیمتر است.

جدول کشی فوق‌العاده دقیق و الوان در حاشیه متن با استفاده از رنگ‌های لاجورد، مشکی، نقره، سبز روشن، آبی روشن، شن‌گرف و سفید که بر روی طلا ترسیم شده و با مرکب مشکی جوهری دورگیری شده و در لبه صفحات هم طلا با دورگیری مشکی اجرا گردیده، گواه دیگری بر قدرت دست و چشمان تیزبین هنرمند جدول کش است.

تذهیب فوق‌العاده زیبا و نفیس نقاش چیره‌دست صفویه که رقمی از نام خود را ننکاشته است و همچون دیگر مذهبان و نگارگران قرآنی شاهکارهای خود را بی هیچ شائبه‌ای مخلصانه و گمنام در خدمت آراستن و نوازش کتابت خطوط کلام الهی نهاده است.

ترسیم موزون خطوط و نقوش اسلیمی و بهره‌گیری از انواع اشکال ختائی در قالب ترنج‌ها و شمشه‌های ترکیبی و متناظر و تقسیم‌بندی دقیق هر بخش از تذهیب که در عین دارا بودن تنوع در اندازه و اشکال دارای تقارن و تناسب و وحدت در کل صفحه می‌باشد نیز از ویژگی‌های خاص سر فصل قرآن است. رنگ‌گذاری و طلااندازی نقوش نیز از مهارت و آگاهی نگارگر حکایت دارد.

استفاده از لاجورد و طلا که دو رنگ مکمل و غالب تذهیب است آنچنان بجا و هماهنگ به کار رفته است که گویی نگاه بیننده را در باغ گلها به گردش می‌طلبد. درخشش طلایی اشرفی در لابلای سطور آیات در دو صفحه سرفصل و دو صفحه آیات نخست سوره بقره به صورت طلااندازی، بین دندان موشی‌ها و نیز در کتیبه‌های عناوین تمام سور مبارک قرآن و حاشیه و تذهیب صفحات وقفنامه‌ها و شمشه اجزاء و احزاب و سجده‌ها و گل‌آیه‌ها و جداول و حل‌کاریها نیز بر نفاست و زیبایی آن افزوده است.

رنگ‌های ما بین طلا و لاجورد، ضمن نمایش انواع سرخ‌ها (شن‌گرف و سرنج) و سبزها (زنگار و سیلو) و رنگ‌های آخرا و آبی نیلی و کبود و سفیدآب و نقره در چندین فام، هماهنگی و آرامش رنگی ملموسی به‌وجود آورده است. عناوین سوره‌های حمد و بقره در دو صفحه سرفصل با خط ثلث و با طلا روی لاجورد کتابت شده و عناوین دیگر سوره‌های قرآن نیز به خط ثلث ولی با رنگ‌های مختلف بر روی تذهیب‌هایی با نقوش متنوع و مستقل پدید آمده است.

علاوه بر صفحات سرفصل که خط و تذهیب آن متعلق به دوره صفویه است دو صفحه پیش از آن با تذهیبی قاجاری که حاوی وقفنامه مجدد فرزند واقف اصلی به خط نستعلیق است حال و هوایی متفاوت از تذهیب صفوی دارد؛ بدینگونه که نقوش ختائی در آن به دقت و ظرافت قبلی نیست و آزادتر و راحت‌تر کار شده است و اشکال و اندازه‌ها و تقارن نیز کاملاً دقیق نیست و گویا با بداهه و سرعت بیشتری رسم شده‌اند. تعادل رنگ‌های سرد

و قال عليه السلام: مونس القبر تلاوة القرآن؛
و من كلامه عليه السلام: افضل الاعمال الصلوه ثم قرأه
القرآن؛

صدق النبي من قرأ حرفاً من كتاب الله فله حسنة.
قسمت میانی و اصلی جلد نیز با نقوش برجسته لچک و ترنج
و نیم ترنج در وسط و گوشه‌ها آراسته شده است. قابل ذکر است
که نقوش اجراء شده بر رویه ابتدائی و انتهائی جلد هم عیناً تکرار
شده است. رویه داخلی جلد را هم نقش لچک و ترنج به صورت
ساده‌تر و خلوت‌تر با همان شیوه سوخت ضربی و با طلا بر روی
زمینه قرمز تزئین کرده است. در دو گوشه جلد اثر ترمیم شکستگی
کامل مشهود است.

تاریخ کتابت قرآن سال ۱۱۲۲ هـ ق

مطابق با دوران

سلطنت شاه سلطان حسین آخرین پادشاه سلسله صفویه است

دقایق تاریخی مصحف امام زمان (عج)

تاریخ کتابت قرآن سال ۱۱۲۲ هـ ق مطابق با دوران سلطنت
شاه سلطان حسین آخرین پادشاه سلسله صفویه است (۱۱۰۶ تا
۱۱۳۵ هـ ق). در این سال‌ها میرزا احمد نیریزی در دارالسلطنه
اصفهان می‌زیسته و مورد توجه و احترام شاه و صاحب منصبان
دربار صفوی بوده؛ بدین جهت آثارش را «سلطانی» رقم می‌زد و
ملقب به «قبله الکتاب» بوده است. دارنده و واقف اصلی قرآن،
محمدتقی خان بافقی، بیگلربیگی و حاکم مقتدر یزد و معروف به
خان بزرگ بوده است^۷ و با استناد به شرح حال و دوران حکمرانی
او که در پی نوشت می‌آید نمی‌توانسته سفارش‌دهنده کتابت قرآن
به میرزای نیریزی باشد، نگارنده نیز سندی در این خصوص نیافته
است. می‌توان حدس زد پدر تقی خان سفارش‌دهنده باشد یا اینکه
به رسم هدیه از طریقی به دست تقی خان رسیده باشد و یا اینکه
قرآن مذکور جزء ماترک عنایت سلطان دائی محمدتقی خان بوده
که او هم حاکم یزد و از امرای شاه سلطان حسین صفوی و
هم‌دوره مرحوم نیریزی بوده است.

به هر حال او اراده می‌کند که قرآن مذکور را وقف ناحیه
مقدسه مهدویه (عج) کند. بدین جهت وقفنامه‌ای جامع تنظیم و در
آن اشعار می‌دارد که اولاد ذکور از اعقابش نسل اندر نسل و اکبر
مقدم بر اصغر قرآن را تلاوت کرده و ثواب آن را به پیشگاه پربرکت
حضرت امام عصر (عج) هدیه کنند و چنانچه در هر دوره فرزند
ذکوری از اعقابش باقی نباشد تولیت قرائت به اعلم مجتهدین زمان
- نایب عام آن حضرت - مفوض است، و هر زمان که پروردگار
متعال اراده فرموده و حضرتش را آشکار ساخت، قرآن به ساحت
مقدس مهدوی (عج) تقدیم گردد که در این صورت وقف به انجام
رسیده و اختیار در تفویض تولیت تلاوت و غیر آن با وجود ذی‌جود
قائم آل محمد (ص) خواهد بود.

در هر حال پس از درگذشت محمدتقی خان و در ایام سلطه
محمودلی میرزا پسر فتحعلی شاه بر دارالعباده یزد، وی قرآن را
از تولیت اولاد تقی خان خارج و وقفنامه اصلی را محو ساخته و
نسخه را تصاحب می‌کند و پس از حوادثی که منجر به عزیمت
شاهزاده قاجار به تهران می‌شود به همراه اموالش به تهران

منتقل می‌گردد تا اینکه عبدالرضا خان^۸ (بامداد، پیشین، ص ۴۳۴)
(امیر مؤید) پسر محمدتقی خان از حاج رجبعلی مجتهد زمان که
ساکن دارالسلطنه تهران بود استعانت می‌طلبد و آن جناب نیز حکم
عودت نسخه مبارک رابه یزد صادر^۹ و فرمان انفاذ آن را از فتحعلی
شاه می‌گیرد.^{۱۰} عبدالرضا خان پس از دریافت مصحف علاوه بر
کتابت مجدد وقفنامه اصلی در دو صفحه بر طبق مفاد وقف پدر
مرحومش،^{۱۱} وقفنامه دیگری نیز در تأکید و توضیح وقفنامه اصلی
با مهر خود و مهر شیخ رجبعلی مجتهد در دو صفحه دیگر به تاریخ
محرم الحرام سال ۱۲۴۵ هـ ق تنظیم^{۱۲} و بر طلیعه قرآن منضم
می‌کند.

چندی بعد میرزا سید علی حائری که از فحول علمای یزد و
از اولاد محمدتقی خان بود مصحف مذکور را زیارت کرده و با اجازه
ایشان کلمه وقف به روی «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای
هر سوره و نیز شماره اوراق در گوشه راست بالا و عنوان سوره در
گوشه چپ بالای اوراق با مرکب قرمز نوشته می‌شود و در حدود
سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ هـ ق مرحوم سید ابوالحسن حائری زاده^{۱۳}
قرآن را در یزد و نزد آقا میرزا محمد حاج جناب که از بستگان
ایشان بوده می‌بیند؛ که از بی‌مبادلاتی دارندگان آن جلد و اوراقش
شکسته و پاره شده است و چون خود مرحوم حائری زاده نیز از
اعقاب مرحوم واقف اصلی بود تصمیم به نگهداری و احیاء نسخه
گرفته و آن را به مرمت کار می‌سپارد و پس از ترمیم شکستگی
جلد و تثبیت اوراق، چون پیدا کردن و تشخیص اکبر اولاد ذکور
از نسل واقف که به ضرورت زمانه در شهرهای مختلف پراکنده
شده بودند برای وی ممکن نبود و در صورت امکان نیز احیاناً به
علت اختلافات فامیلی و سیاسی احتمال بروز مناقشه و درگیری
و مخالفت می‌رفت و از طرفی چون ایشان علاوه بر نمایندگی،
عضو هیئت مباشرت (کارپردازی) مجلس شورای ملی نیز بوده و از
اساس کتابخانه مجلس و اعتبار آن اطلاع کامل داشت و در نظر
ایشان کتابخانه مجلس محلی مناسب و مطمئن برای حفاظت از
نسخه بود، موضوع را در هیئت مباشرت مطرح و درخواست حفظ
امانت امام عصر (عج) را در کتابخانه می‌کند و سپس با رعایت
کمال دقت و ثبت و قید جزئیات و مشخصات نسخه آن را به رسم
امانت تا زمان ظهور منجی عالم بشریت به کتابخانه مجلس سپرده
و از مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ مباشر و کارپرداز مجلس رسید
دریافت می‌دارند.

۱. وبگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، رجال:

www.iichs.org

و آقای ارباب کیخسرو طبق روال معمول پس از ختم دوره
فترت جریان امر را به مجلس شورای ملی گزارش داده و امور
کتابخانه را شرح داده و موضوع امانت قرآن را مسجل و تأیید
می‌کند که خبر این گزارش منتشر شده است. گروهی ناشناس از
اولاد مرحوم واقف یا از مخالفین حائری زاده با جنجال موضوع را
تعقیب و فردی به نام نقیب‌زاده را وکیل رسیدگی به ادعای خود
می‌کنند. نقیب‌زاده نامه‌ای در شکایت از حائری زاده مبنی بر تغییر



به مجلس معرفی نماید تا با او مذاکره شود و فعلاً کلام‌الله مزبور در کتابخانه مجلس در محل مناسب و محفوظی به طور امانت ضبط و به احدی داده نمی‌شود».^{۱۴}

پی‌نوشت‌ها

۱. از منابع امانی موجود در گنجینه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲. (جامی، هفت اورنگ، ۱۳۷۸ ص ۷۷)
۳. خط‌نسخ: این خط تا صدر اسلام و بالاتر ریشه می‌رساند لکن از زمان ابن مقبله به بعد که به واسطه هندسی کردن او، این خط به قالبی بهتر درآمده مشهور و معروف و قابل توجه گردید و از آن پس در نوشتن قرآن به کار رفت و قلم‌نسخ بر خط کوفی کشید. خط‌نسخ تحت تأثیر محقق و ربیعان و ثلث و توقیع به قوام آمده و اصلاح شده است. اکثر رساله‌ها و تذکره‌ها و فرهنگ‌ها این مقبله را واضح خط‌نسخ دانسته و گویند او آن را از خط ثلث استخراج کرده و خط‌نسخ تابع ثلث است. خط‌نسخ امروز به دو شیوه نوشته می‌شود: یکی

جلد قرآن و سپردن آن به کتابخانه مجلس به سید محمد تدین رئیس مجلس شورای کلی در دوره پنجم می‌نویسد و خواستار محکومیت ایشان و استرداد قرآن می‌شود. خبر این هیاهو و جنجال به آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در قم رسیده و از طرف معظم له شرحی به مجلس نوشته شده بدین مضمون که خوب است هدیه کلام‌الله را از قم فرستاده و آن را از ارباب کیخسرو خریداری و قرآن را به قم بفرستند.

ارباب کیخسرو هم طرح موضوع و مکاتبات رسیده در هیئت رئیسه مجلس را درخواست کرده و با موافقت رئیس مجلس قرآن را از کتابخانه آورده و پس از رعایت احترامات لازمه همگی زیارت و جلد و اوراق و وقفنامه‌های آن را با دقت ملاحظه و مطالعه کردند. آقای مدرس هم در جلسه حضور یافته و در مذاکرات مشارکت کردند و گزارش به امانت سپردن قرآن و شکایت آقای نقیب‌زاده که ضمیمه مراسله یزد بود مطرح شد. موضوع اول تعویض جلد قرآن بود که با دقت و مشاهده حاضرین معلوم شد که جلد همان جلد اصلی و در نهایت نفاست است که موافق اظهارات آقای حائری‌زاده گوشه‌های آن به علت شکستگی ترمیم شده است. دوم، در مورد موضوع سپردن قرآن به کتابخانه نیز پس از گفتگو موافقتنامه‌ای حاصل شد به این شرح که برای حفظ کلام‌الله فوق محلی مناسب‌تر از کتابخانه مجلس نیست زیرا موجبات حفظ و نگاهداری آن با تهیه صندوقچه آهنی و پیش‌بینی‌های لازم برای پیشگیری از حریق و حوادث دیگر فراهم شده است.

سپس ارباب کیخسرو صورت سیزدهمین جلسه هیئت مباشرت مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۴ را به این مضمون قرائت کردند: «آقای حائری‌زاده نماینده محترم یزد و عضو مباشرت یک جلد کلام‌الله مجید خطی به خط مرحوم میرزا احمد نیری مورخ ۱۱۲۲ هـ ق دارای دو ورق مذهبی مقدمه و سیصد و نود و سه ورق مرتین و در آغاز هر ورق نمره زده شده است که جمعا ۳۹۵ ورق می‌باشد با سرلوحه مذهبی و جلد سوخته ماشی تیره‌رنگ و حاشیه مذهب طلائی که در مقدمه آن شرح وقف از طرف واقف نوشته شده است و چون جانی امن‌تر از کتابخانه مجلس سراغ ندارند، کلام‌الله مجید مزبور را تا زمان ظهور حضرت حجة ابن الحسن صلوات‌الله علیه به رسم امانت در کتابخانه مجلس سپردند و مطابقاً رسید خدمتشان داده شده است».

در خاتمه جلسه مقرر شد که به آقای نقیب‌زاده به مضمون ذیل جواب داده شود: «اولاً بعد از ملاحظه کامل کلام‌الله مجید در هیئت رئیسه و مشاهده آن معلوم شد که جلد آن عوض نشده و در سایر قسمت‌های آن هیچ تغییر اساسی عارض نگردیده است، ثانیاً از طرف آقای حائری‌زاده به عنوان امانت حضرت امام عصر (عج) در کتابخانه مجلس شورای ملی گذارده شده و در دفتر مخصوص که در اداره مباشرت ضبط است تمام علامات ممیزه آن از جلد و عده اوراق و صفحات و خط راقم قید شده است. ثالثاً چون در صفحه اول قرآن مزبور قید شده که تولیت آن با اکبر اولاد ذکور مرحوم واقف است، لازم است که اکبر اولاد ذکور آن مرحوم خود را

شیوه یاقوتی (عربی)، دیگری شیوه نیریزی (ایرانی). شیوه اول که متمایل به ثلث و توقیع است و آن را از فروع ثلث می‌شمارند، از زمان یاقوت مستعصمی تا پیش از نیریزی در تمام ممالک اسلامی و از جمله ایران رایج بوده است. از این رو است که جعفر بایسنقری می‌گوید: «لفظ نسخ مصدری است به معنی اسم فاعل یعنی ناسخ، زیرا اکثر کتابت به این خط واقع است به تخصیص کتابت کلام‌الله پس گویا باقی انواع خطوط را نسخ کرده است. هم‌اکنون این شیوه یاقوتی در سایر ممالک اسلامی رایج است ولی شیوه دوم که شیوه نیریزی است و چاشنی از نستعلیق دارد فقط در ایران متداول است. این شیوه را میرزا احمد نیریزی تعلیم داده است (اوائل قرن دوازدهم هجری). طول الف و افراشته‌های مناسب در خط نسخ پنج نقطه است. بعضی چهار نقطه هم گفته‌اند که اندازه حروف دیگر از این مقیاس به دست می‌آید.

سرعت حرکت قلم در نسخ نه به کندی محقق و نه به تندری رقاع است و مانند جهات دیگر آن از نظم و زیبایی منظر به حد دارا اعتدال است و خط نسخ در روشنی و وضوح چون محقق است.

خط نسخ بیش از همه خطوط استعمال داشته و دارد و در خدمت قرآن و چاپ است لکن شیوه نسخی که در حروف چاپ است اندک تغییری با نسخ قرآنی دارد که در تهیه حروف چاپ منظور گردیده است و بدین جهت آن را نسخ میانه می‌نامند و با مقایسه و دقت این تغییر و تفاوت معلوم می‌گردد. تعلیم نسخ میانه از وظایف استادان نیست زیرا ماشین چاپ به هر اندازه که بخواهند در اختیار می‌گذارد و نوشتن نسخ میانه با دست کاری متکلفانه و تصنعی است که لزومی ندارد.» (سرمدی، ۱۳۸۰، ص ۶۷)

۴. میرزا احمد نیریزی، احمد بن شمس‌الدین محمد نیریزی، بزرگ‌ترین نسخ نویس ایرانی که او را در این خط می‌توان همپایه میرعماد در خط نستعلیق دانست در نیریز به دنیا آمد و مقدمات خط را نزد آقا محمد صادق ارجستانی آموخت سپس به قم رفت و در سلک شاگردان آقا محمد ابراهیم قمی درآمد و از روی خطوط علاء‌الدین تبریزی نیز مشق بسیار می‌کرد. وی پس از مرگ استادش آقا محمد ابراهیم از قم به نیریز برگشت و به مشق پرداخت و پس از تکمیل خط سرآمد استادان زمانه شد و شیوه خاصی در خط به وجود آورد که می‌توان آن را نسخ ایرانی نامید.

وی سپس در اوج جوانی از نیریز به اصفهان مهاجرت کرد و در حدود سال ۱۱۰۰ در این شهر مسکن گزید و در دربار شاه سلطان حسین صفوی و نزد امراء و فضلا و هنرمندان عصر با احترام بزیست. بزرگان عصر به هنر وی ارج می‌نهادند و وی نیز آثار گرانبهایی پدید می‌آورد. گویند در مدت عمرش حدود شصت هزار تومان صفوی از دستمزد هنر خود درآمد یافته است؛ نقل کرده‌اند در درآمد خود به مبلغ اندک اکتفاء کرده و بقیه را انفاق می‌کرده است. (فضائی، ۱۳۵۰، ص ۳۵۳)

میرزا احمد عمر خود را به تحریر قرآن و ادعیه و صحایف اشتغال داشته و بسیار نیکو خصال و متورع بود و به زیارت مکه و مدینه و عتبات عالیات و مشهد مقدس رفته است. از یادگارهای این سفرها یکی قطعه‌ای است در مدح حضرت رسول اکرم (ص) که به آب زر روی کاغذ خان بالغ به خط نسخ هنگام زیارت مدینه نوشته است و بیت اول آن این است:

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفانیست دارالملک جز رخسار و زلف مصطفی (۱۹)

و دیگری یک نسخه دعای کمیل به خط وی که در کتابخانه سلطنتی

ایران موجود است و آن را در سال ۱۱۵۲ هـ ق در نجف اشرف کتابت کرده است. نیریزی به مناسبت اختصاص به دربار شاه سلطان حسین صفوی «سلطانی» رقم می‌کرد و بسیاری از آثار او به امر این پادشاه کتابت شده است. (۲۰)

بعضی قطعات اشعار نیز به خط آن استاد دیده شده است. نستعلیق و شکسته را نیز خوش می‌نوشت و از این قبیل خطوط وی موجود است.

از آثاری که به خط او دیده شده نمود و نه مجلد قرآن و هفتاد و هفت صحیفه و بسیاری ادعیه و مرقعات دیگر است. در یکی از قطعات که به خط او دیده شده، نوشته است در مدت عمرم شصت هزار تومان حق‌التحریر و حق‌الکتابه دریافت داشتم. از مجموع آثار قلمی این خوشنویس عالیقدر معلوم می‌شود که این آثار بین سال‌های ۱۰۹۴ و ۱۱۷۷ است که جمعا ۸۳ سال می‌شود و این نشان می‌دهد که استاد از آغاز جوانی به خوشنویسی مشهور و ممتاز بوده و عمر درازی یافته است و پس از وفات، پیکر وی را به کربلای معلا انتقال داده‌اند رحمه الله علیه. (بیانی، ص ۱۰۳۰ و ۱۰۴۱)

۵. با دقت نظر آقای حمید ملکیان کارشناس ارشد مرمت نسخ خطی مشخص شد.

۶. محمد هاشم بن محمد صالح لؤلؤی اصفهانی معروف به زرگر (پدر میرزا محمد علی محرم و جد عبدالوهاب محرم یزدی شاعر دوره قاجار) از استادان مسلم خط نسخ در قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم است که در زمان خود در سراسر کشورهای اسلامی شهرت داشت و حتی در خوشنویسی ممدوح شعرای عصر بود و او را در نسخ هم‌ردیف عبدالمجید درویش در خط شکسته نهاده‌اند. تاریخ وفاتش معلوم نیست. آنچه مسلم است بین سال‌های ۱۱۷۲ و ۱۲۱۲ هـ ق حیات داشته و آثاری که در این مدت برجای گذاشته معرف قدرت وی در خوشنویسی است. (فضائی، ص ۳۵۵)

۷. محمدتقی‌خان بافقی که به خان بزرگ مشهور بوده و هست، تولدش از صلب میرزا محمد باقر و رحم فاطمه بیگم خواهر عنایت سلطان از سادات عقیلی در سال ۱۱۲۹ هـ ق در قصبه بافق اتفاق افتاده. بعد از اسارت به اصفهان و مراجعت به یزد و مسقط‌الرأس خویش (بافق) مشغول تحصیل علم و ادب و کسب کمالات گشته و تا موقع حکمرانی علم‌خان سفیه در آنجا بود. عمرش نزدیک به سی رسیده بود که جمعی از اکابر یزد با علم‌خان سر مبارک برداشته و علم به جانب بافق افراشته، خان بزرگ را به یزد طلبیدند. میرزا اسمعیل کلانتر و میر سعید مرتضی وزیر صاحب مسجد وزیر و مراد علی بیگ بایندر و برادرانش در این دعوت شرکت داشتند و چون محمد تقی خان مزاج همه را مستعد قبول دید دعوت ایشان را اجابت کرده و در سال ۱۱۶۱ ق عنان عزیمت به یزد معطوف داشت. آن سال نخستین سال از سلطنت علیقلی خان افشار بود که خان بزرگ با هفتاد تن از دلاوران بافق که همه در چابکی بی‌نظیر بودند به یزد آمده در کوی مالعیر فرود آمد و در همان روز ورود از حاج تقی جندقی، کلانتر کوی شیخ‌داد و نوکرهای علم‌خان زهر چشم گرفت. بالاخره کار به آنجا کشید که علم‌خان و نوکرانش شبانه نمود بر تخته پل‌های قلعه و دروازه کشیدند که صدای پای ایشان مدعیان را خبردار نسازد و بدین‌گونه فرار کرده یزد را به خان بزرگ واگذاشتند و یزد از شور و فتنه آرام گرفت. میرزا جعفر منشی می‌نویسد: «یزدیان به قدری در این انتخاب شاد شدند که همان روز جشن گرفته و شادی‌ها آغاز کردند. فرمانداری و حکومت خان بزرگ سال‌های طولانی (۵۳ سال) دوام داشت و

او در همه این مدت به کار عمارت و اجرای قنوت کثیر در تمامی بلاد یزد و صدقات جاریه مشغول بود و با کمال مهارت زمامداران عصر را هر یک از پی دیگری خوشنود و برای خود نگاه می‌داشت.» (آیتی، ص ۳۶۰)

رفتار محمد تقی خان و بستگانش در دوره سلطنت کریم خان زند همواره با قدم حزم و احتیاط بود تا گرد کدورتی بر خاطر اولیاء دولت ننشیند. از این رو در آن دوره چندان خسارت متوجه یزد نشد و هر چه بود برای خان بزرگ بود که بر اثر هدایا و تحف و پیشکش‌های شاهانه همه دارایی‌ها و اندوخته‌های پدران خود را از دست داده و بی‌چیز شد ولی در حوادث دیگر جبران شده و غنائمی بدستش آمد.

محمد تقی خان گاه یاغی و گاه مطیع حکومت مرکزی بود و چون دم از استقلال می‌زد در دل به هیچ یک از مدعیان سلطنت وابسته نبود و تمکین نداشت. هر یک از آنان مایل بود که یزد را گرفته و تقی خان را منقاد خود کند ولی منش و رفتار خان بزرگ با مردم یزد و اطاعت و جانبداری آحاد مردم از او که قدرت بلامنازع او را در منطقه سبب شده بود سلاطین ایران را ناچار به ادامه فرمانداری او با اکتفا به اخذ مالیات و خراج از او می‌ساخت. (بامداد، ص ۴۳۴)

تا اینکه پس از عمری مجاهده و تلاش در ششم شوال المکرم سال ۱۳۱۲ هـ ق در سن ۸۴ سالگی به عارضه بیماری رخت از دنیا بر بسته و پیکرش به نجف اشرف انتقال و در پای ضریح امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. (جعفری، ص ۴۶۲)

از خان بزرگ ۲۴ پسر و ۲۶ دختر متخلف شده که سه پسر ارشد او از فاطمه بیگم خواهر عنایت سلطان که از سادات عقیلی و سرداران شاه سلطان حسین صفوی بودند به نام‌های حاج علینقی خان، حاج عبدالرحیم خان و زین‌العابدین خان پس از او به حکومت رسیدند.

۸. عبدالرضا خان، چهارمین حاکم از پسران محمد تقی خان بود. در سال ۱۳۳۸ هـ ق که محمد ولی میرزا پسر چهارم فتحعلی شاه به حکومت یزد رسید به دلیل نفوذ و اقتداری که عبدالرضا خان در یزد از پدر خود به ارث برده بود او را برای پیشرفت کار خود وزیر و پیشکار خویش کرد. در سال ۱۳۴۳ ق محمد ولی میرزا برای گزارش کار حکومت و از ترس حمله قاسم خان گرجی حاکم کرمان و نیز به طمع گرفتن حکومت کرمان و نظم دادن به آن ولایت به تهران رفت و پس از رسیدن او به پایتخت عبدالرضا تمام زمین‌ها و عمارات او را تصاحب کرد و سپس زنان و فرزندان و بستگان او را با دادن اموال و خرجی راه روانه تهران کرد.

فتحعلی شاه، حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان را که برای قضایای جنگ روس و ایران از مشهد به تهران آمده بود در همان سال به حکومت یزد و کرمان منصوب و روانه کرد. شجاع‌السلطنه که به یزد رسید عبدالرضا خان او را به شهر راه نداد و سرانجام به لحاظ حمایت مردم یزد از او و لیاقت و کاردانی او و وساطت منتقدینی چون شیخ رجبعلی مجتهد شاه را راضی کردند که حکومت یزد را به عبدالرضا خان بدهد و به شجاع‌السلطنه نیز دستور داده شد که دست از محاصره یزد بردارد. در سال ۱۳۴۶ ق شفیع خان حاکم با اقتدار بلوک راور کرمان با عبدالرضا خان وصلت کرد؛ پس از این مواصلت عبدالرضا خان شفیع خان را وادار کرد از فرمانبرداری شجاع‌السلطنه سربتابد. شاه به ناچار عباس میرزا نایب‌السلطنه خود را در این سال از آذربایجان خواسته برای فرونشاندن انقلابات آن نواحی مأمور کرد.

سر و سامان دادن و تصفیه امور یزد و کرمان جزئی از کارهای عباس میرزا بود. هنگام عزیمت به خراسان در سال ۱۳۴۷ ق علی خان پسر عبدالرضا خان و خانواده او را به رسم گروگان به آذربایجان فرستاد. عبدالرضا خان و شفیع خان که در کرمان زیر نظر خسرو میرزا بودند پس از رفتن نایب‌السلطنه یکدیگر را دیدند و از کرمان فرار کردند. شفیع خان به راور و عبدالرضا خان به بهاباد بافق رفت. شفیع خان در راور گرفتار شد و با دو پسرش به قلعه اردبیل فرستاده شدند و عبدالرضا خان که محصور بود و می‌دانست که گرفتار می‌شود شبانه از بافق فرار کرد و به طرف قائن و طیس رفت و به امیر اسداله خان عرب خزیمه حکمران آن حدود پناه برد. امیر اسداله خان از وی نزد نایب شفاعت کرد و عبدالرضا خان مورد بخشایش واقع شد. بعدها او را با جمعی از امرا و خوانین سرکش خراسان که در پیشگاه دولت مقصر بودند در ماه اول سال ۱۳۴۹ ق با خود به تهران آورد؛ رضا قلی خان ایلخانی زعفرانلو و محمد خان قرائی از بزرگ‌ترین امرا و خوانین خراسان را در ارگ زندانی کردند و عبدالرضا خان را در فراشخانه خارج از ارگ نگهداشتند و معلوم شد که می‌خواهند با او معامله دیگر انجام دهند. عبدالرضا خان را به وضع بسیار فجیعی کشتند که کمتر مقصر و مجرمی را به آن نحو می‌کشتند. خانواده افخمی از اعقاب عبدالرضا خان هستند. (بامداد، ص ۴۳۴)

۹. اعلان شردمه‌ای از مدارج التفات خاطر همایون پادشاهی درباره نواب امیر مؤید خلدالله حشمته.

چون شاهزاده محمد ولی میرزا قاجار در تصاریف ایام فرمانروایی یزد رحمت نامه قدیم یعنی کلام‌الله واجب‌التنظیمی به خط ملک ملوک صنعت خطاطی میرزا احمد نیریزی ادرالله تعالی علی روحه شایب‌المغفره که در حقیقت به حسب قدر و مرتبت صوری از کرایم معنوی گذشته، گوهری شب افروز می‌نمود و بهای آن در گرانها را علم احدی ماورای علام‌الغیوب احاطتی نداشت و به دست غایت ثواب اندیشی نواب خان سعید مغفور محمد تقی خان به داغ و قفیت موسوم فرموده بودند از تصرف وقف به حیل شرعیه انتزاع و به خاصه خود متصرف گشته رقم ملکیت پا به مهر بر ظهر آن کشیده بود. و نواب امیر مؤید زاده‌الله شوکتاً و حشمتاً بعد از حملات مخلفات سرکار اشرف والا به دارالخلافة طهران به توسط مقرب الخاقان آقا محمد اسمعیل پیشخدمت باشی سرکار اقدس همایون آن را نیز در ضمن کتب ملکبھی شاهزاده به محضر همایون روانه داشته بودند. در خلال ایامی که جناب مجتهد الزمان حاجی رجبعلی متوقف دارالخلافة بودند سرکار اقدس همایون به اظهار دقایق مرحمت و التفات روزافزون آن همایون نامه رحمت ختامه را مصحوب آن جناب به جهت نواب امیر مؤید روانه فرموده از منشآت عم عنایت توأمم مقر الخاقان میرزا محمد منشی دیوان اعلی این فرمان مطاع عراضار یافته. چون حاکی از کمال مرحمت خاطر رأفتا مقرون شهرداری نسبت به آن باسط بساط کامکاری بود ایرادش در این مساق لازم نمود.

۱۰. صورت فرمان مبارک انفراد یک مجلد قرآن مجید وقفی به جهت نواب امیر مؤید

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه شهامت و فخامت همراه مجدت و مناعت اکتناه، اخلاص و ارادت آگاه، نتیجه الامراء العظام عبدالرضا خان بیگلربیگی دارالعباده یزد به ترداد اعطاف خاطر مهر اتصاف پادشاهی معزز و مباهی بوده بدانند که چون مکتون رأی بیضا ضیای همایون که کشاف حقایق و ضمایر و مفسر دقایق ارادت چاکران صافی سرائر است افتاده که آیات

باهرات اعطاف خاطر مرحمت شامل به ظهور تفقدات کامل درباره آن عالیجاه متواتر و متواصل و از تواتر آثار التفات ضمیر وحی ترجمان پیوسته صدر صداقت او را شرحی تازه حاصل آید. درین وقت که یک مجلد کلام الله مجید از نفایس منقوله دارالعباده یزد منظور انتظار زیارت افتاد و از فراین معلوم شد که قرآن مکرم از آن خانواده صداقت نشان و یکی از اسباب دعاگویی و ثنا طرازی ایشان بوده به رسم عنف و اجحاف سمت انتزاع یافته، باز به جهت آن عالیجاه منظور و چون عالیجناب مقدس القاب فضایل و فواصل مآب، افاضت و افادت انتساب، حقایق و شرایع نصاب، جامع معالم الفروع و الاصول، حاوی معارف المعقول و المنقول، عمده العلماء و المجتهدین، زبده الفضلاء و المحققین، کھف الحاج و المعتمرین حاجی رجبعلی را بعد از حصول تکریر مجالس حضور سعادت نشان و استفاضه از فیوضات صحبت معارف آیت ایشان عزیمت معاودت بود انقاد آن مصحوب معزی الیه مناسب بود. باید آن عالیجاه شهود اینگونه مراحم را کھف حصول مأرب و عوده حدوث نوایب دانسته از قرآن فجر الی غسق الیل تلاوت مصحف ثنا طرازی را به اتفاق اعراف دولتخواهان با وفاق بی توریه نفاق زبور زبان ارادت دارد و از فاتحه فلق تا نجم تکویر شمس در جمع احزاب اخلاص به تکثیر اسباب اختصاص افزایش و در عوض قصص واقعه و استعدا مقاصد مأموله بی زلزل مخافت اقدام نموده در معرض کمال التفات شاهانه به عز انجاح و شرف اسعاف مقرون داند و در عهده شناسد. (نائینی، ص ۶۸۰ - ۶۸۴)

۱۱. بازنویس وقفنامه اصلی قرآن

فاتحه هر کتاب مستطاب و اساس هر خطاب مقرون به صواب حمد کریمی است وهاب عز شأنه و جل برهانه که فرقان حمیدش خط نسخ بر زبُر اولین کشیده و قدرت کامله اش ندای معجز اوای قل لئن اجتمعت الأنس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیراً بگوش اهل هوش رسانیده مُنزل کتابیست هدایت آیات اعجاز مآب که از خجست لوامع آن زبور پر نور بیضای جهان آرای در لیالی دیجور چون ید بیضای موسوی در ایام فرعون کفور در جیب اختفاء از مهابت آیتش که و لو ان قرآناً سیرت به الجبال و قطعت به الارض او کلم به الموتی نیرنگ زمانه گوناگون و حبال احتیال روزگار بوقلمون چون حبال و عصی سحره ذو فنون مصداق و لا یفلح الساحر حیت اتی مرسل رسولی بلسان عربی مبین که فتح ابواب آن از اعشار معشار معجزات باهرات آن سید بشر و قصص انبیاء ماضین در هر حالی از حالات آن خواجه کائنات منطوی و مضمهر مطلع الانواری که چون به انگشت مبارک اشاره فرمود ماه ضیاء اکتفاه از بی تقبیل انامل فیض شوامش لب گشود و شاهد هدایت معاهد اقتربت الساعه و انشق القمر از حجاب آغوش قدس نبوتش وحی جلوه نمود. قیله الاحرارای که چون از بطحاء موصوف و علا هجرت گزید خانه قدس آشیانه اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً و هدی للعالمین در حرمان مقدمش سیاه پوشید محمد سید الکوین و الثقلین و الفریقین من عرب و من عجم صلوات الله و سلامه علیه ابد الابد و علی اله الابرار الاطهار افضل ما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و بعد مقصود از تحریر این کلمات خیریت شهود و تسطیر این کلام صلاحیت نمود آنکه هدایات جلیله و توفیقات جمیله شامل حال فرخنده فال عالیجاه معلی جایگاه و عظمت حشمت و اقبال دستگاه اُبهت جلالت و بسالت انتباه شوکت و مناعت و نصف اکتناه ایالت و معدلت و مروت پناه منبع الجود و الإحسانی که از آن نام حاتم از مصحف کرم و

کان آیت کریمه در شأن اوست نازل خان عظیم القدر و الشانی که اگر احدی نیرنگ مخالفت او را در دل بی رنگ نقش سجد بندد رشته نفس زنجیردار آن نابکار را در گلو افتد و هر گاه کسی از فرمان واجب الازعانث اغماض نماید به مزگان شقاوت توأمان بر مردمک دیده ای ثمره روان را خنجر کینی گشاید و چنانچه نقیض امر مطاعش در خاطر عکس صورت بندد در حصار آئینه استوار الی الأبد محبوس ماند و طریق استخلاص آن را به هیچ وجه نداند. سبقت السابقین فما تُجازی و جاوزت الملاء فلا تعالی اقلت منک طرفی فی اسماء و ان طلعت کواکبهن خالصاً و حروف قدر تو را صورت فلک صفریست که عکس قاعده ما بین فتاده از ارقام العظیم العظیم الناسل من الجواد السخی الباذل المعظم المفخّم الجلال اعنی و کلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء امیر الامراء العظام مخدوم الخوانین الکرام محمد تقی خان بیگلریگی برو سادۀ عظمت متکی دارالعباده ی یزد دام اقباله العالی گردید وقف شرعی و حبس مُخلّد مؤبّد دینی نمود این قرآن مجید و فرقان حمید را دام عزّه و شرفه بر ناحیه مقدسه مهديوً علیه الاف صلوات و تسلیمات و تحیه مشروط بر آن که و کلاء واقف را عمر شریف قرار و حیاه مستعار پایدار بلغه الله الی منتهی الاعمار باشد.

خود تلاوت و قرائت نموده ثواب آن را به ناحیه مقدسه اهداء و اتّحاف فرمایند و بعد از و کلاء واقف موفق اولاد امجاد ذکور به ثلاث آن اشتغال نموده ثواب آن را به کیفیت متقدمه اهداء نمایند اکبر مقدم بر اصغر و در هر مرتبه از مراتب در اوان ظهور افتتاح نور که قائم آل محمد علیه صلوات الله الملک المحمود الاحمد خروج فرمایند به فرموده حقیقت آمود مبارک عمل نمایند و تولیت آن را مفوض فرموده و کلاء واقف واقفه الله تعالی علی المواقف مادام الحیوه به نفس نفیس خود و بعد از ردّ زندگانی و وصول به حیات جاودانی به اکبر اولاد ذکور و هکذا علی النهج المذكور در هر مرتبه الی ان یمال الله الارض عدلاً و قسطاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً که اختیار در تفویض تولیت تلاوت و غیرهما برگزیده حضرت آفریدگار علیه الصلوه والسلام است. و اگر چنانچه در طبقه ای از طبقات قبل از ظهور خلیفه الله علیه التحیه و الثناء و کلا واقف مُعظّم الیه را معاذ الله عقیب نباشد و نسلی نماند قیام به تولیت و قرائت آن مفوض است به عالم ربانی و متشرّح صمدانی که در آن وقت ساکن بلده باشد و عند التعدد و التّشاح به قرعه شرعیه تمیز خواهد یافت که چون ایشان نایب عام امام عجل الله فرجه می باشند در خصوص امر مزبور نیز به ضابطه نیابت دارند و صیغه و قفیت بالعربیه و الفارسیه جریان یافت واقف، قرآن مزبور را از ملکیت اخراج و به عنوان تولیت متوجه قرائت هستند وفقاً لازماً جازماً صحیحاً شرعياً، خرنده و فروشنده و طمع کننده و تغییر دهنده حرفی از وقفیت مزبوره، ملعون ازل و ابد و در حجیم الیم مُخلّد باد.

۱۲. وقفنامه مجدد عبدالرضا فرزند واقف اصلی
بسم الله الرحمن الرحیم

آما بعد حمدالله الواقف علی السرائر و الصلوه و السلام علی محمد و آله سادات الاوائل و الاواخر پس مخفی نماند که این مجلد کلام الله مجید را عز قائله بندگان جنت مکان غفران نشان خان سعید مغفور علین آشیان والد ماجد بزرگوار عدیم الاقرانم محمدتقی خان افاض اله علی روحه شایب الغفران وقف شرعی مؤبّد و حبس صریح ملی مُخلّد فرموده بودند به شرایط مقررره معلومه مکتوبه بر ظهر آن و نواب محمد ولی میرزا، ایام حکمروائی این ولا از تصرف متولیان شرعی از سلسله، انتزاع و وقفنامه آن را محو

نفری که حائری‌زاده هم عضو آن بود، دولت‌ها را شدیداً در فشار قرار داده بودند، مخصوصاً فکر ملی شدن صنعت نفت در این دوره قوت گرفت و ظاهراً اقلیت آن را تعقیب می‌کرد. نطق‌های حائری‌زاده در این دوره بر ضد ساعد، منصور و رزم‌آرا نخست‌وزیران وقت، بسیار تند و تحریک‌آمیز بود. در اواخر دوره شانزدهم رزم‌آرا نخست‌وزیر کشته شد و چند روزی علاء حکومت کرد تا سرانجام رهبر جبهه ملی به پیشنهاد لیدر اکثریت (جمال امامی) به نخست‌وزیری رسید و پس از مدت کوتاهی انتخابات دوره هفدهم به‌طور نیم‌بند انجام گرفت و حائری‌زاده این بار هم وکیل تهران شد و در جریان ملی شدن صنعت نفت بسیار فعال بود. ابتدا موافق دکتر مصدق بود و همراه او در تحصن دربار شرکت داشت. اما در این دوره جبهه ملی متلاشی شد و حائری‌زاده نیز در صف مخالفان قرار گرفت و مبارزات او با دولت شروع شد. حائری‌زاده میل داشت با عنوان سفیر فوق‌العاده و سیار به کشورهای اروپایی برود ولی دولتی که خود او نیز یکی از بنیانگذاران آن بود به این تقاضا اعتنا نکرد، حائری‌زاده هم در صف مخالفین جدی قرار گرفت.

بعد از به هم خوردن دوره هفدهم، حائری‌زاده تحت تعقیب بود ولی کودتای ۲۸ مرداد او را نجات داد و مورد توجه سپهبد فضل‌الله زاهدی قرار گرفت و به مأموریت سفارت سیار اعزام شد. در انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی، وکیل اول تهران گردید ولی به علت خوی مخالفتی که با همه دولت‌ها داشت با زاهدی نیز نساخت و در سلب مخالفین او قرار گرفت؛ خصوصاً هنگام طرح مسئله نفت، به وزیر دارایی کابینه (دکتر علی امینی) حملات زیادی کرد.

حائری‌زاده تا پایان دوره هجدهم در مجلس شورای ملی بود. بعد از آن دیگر کاری نتوانست انجام دهد و با حقوق بازنشستگی و رتبه یازده قضایی امرار معاش می‌کرد. حائری‌زاده در طول حیات سیاسی خود مدتی توقیف و زندانی شد و زمانی نیز در تبعید به سر برد. وفات او در سن ۸۴ سالگی در ۱۳۵۱ هـ ش در تهران اتفاق افتاد. (بابائی، وبگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، رجال www.iichs.org).

۱۴. دفتر صورت جلسه هیئت رئیسه مجلس شورای ملی، دوره پنجم، دوم آبان ماه ۱۳۰۵، موجود در مخزن خطی کتابخانه مجلس.

مآخذ

عباس سرمدی، «دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام»، هیرمند، تهران، ۱۳۸۰.

حبیب‌الله فضائی، «اطلس خط»، چاپ زیبا، اصفهان، ۱۳۵۰.
مهدی بیانی، «احوال و آثار خوشنویسان»، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸.

عبدالحسین آیتی، «تاریخ یزد»، چاپخانه گلپهار، چاپ اول، یزد، ۱۳۱۷.

مهدی بامداد، «شرح حال رجال ایران، تلخیص ذبیح‌الله علیزاده اشکوری»، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۸۴.

محمد جعفر بن محمد حسین نائینی، «جامع جعفری، به کوشش ایرج افشار»، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۵۳.

پروانه بابائی، «سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران»، رجال. www.iichs.org

ساخته به خاصه خود تصرف نمود. در این وقت که آفتاب رأی همایون پادشاه شریعت‌پرور بر حقیقت احوال پرتو اطلاع افکند به اظهار شمول و مراحم و عواطف خاطر مهر انما، آن را به جهت این نیازمند درگاه خدا ابن مرحوم المعظم عبدالرضا مصحوب سرکار فضایل و فواضل آثار حقایق و دقایق شعار شرایع و معالم آثار علامی فهامی مجتهد الزمانی حاجی رجبعلی سلمه الله تعالی انقاد فرمودند بناءً علیه این نیازمند هم مجدداً آن را به شرایط مقرر معلومه سرکار جنت مدار واقف معظم بعینها وقف موبد صحیح شرعی و حبس مخلد صریح ملی نمودم و جمیع شرایط مقرر را در وقف ثانوی آن مراعات کردم وفقاً مطابقاً لما وقف الواقف المعظم وجباً موافقاً له حواصلاً لشرایطه من امتناع الاستراء و البیع و الرهن و الهبه و جرت الصیغه الشرعیة بالعربیه و الفارسیه فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین بیدلونه و حرر فی شهر محرم سنه ۱۲۴۵.

۱۳. سید ابوالحسن حائری‌زاده فرزند مرحوم میرزا سید علی حائری، متولد ۱۲۶۷ هـ ش در مشهد، دارای تحصیلات قدیم در اصفهان و یزد نزد علمای روز بود و از روحانیون به‌شمار می‌رفت. چون عنفوان جوانی او هم‌زمان با مشروطیت بود و از همه بالاتر در اصفهان با سید حسن مدرس روحانی و سیاستمدار معروف آشنایی یافت، سودای سیاست داشت و تدریجاً در محافل سیاسی داخل شد. در سی سالگی کاندیدای مجلس شورای ملی شد و در دوره چهارم از یزد به پارلمان راه یافت. در دوره پنجم که مجدداً از یزد وکیل شد، رسماً با مرحوم مدرس، ملک‌الشعرا بهار و زعیم و چند تن دیگر به تشکیل اقلیت پارلمانی پرداختند و حائری‌زاده از این رهگذر اسم و رسم زیادی یافت. حائری‌زاده از هم‌گامان مدرس بود. مواضع او قبل از سلطنت رضا شاه با مدرس یکسان بود و پس از شهادت او نیز در این یگانگی استوار ماند. وی در دوره ششم نیز وکیل مجلس بود ولی داور او را به دادگستری دعوت کرد و مستشار دیوان کیفر شد. زمانی نیز مدیر صندوق صفار داسررای تهران بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مجدداً حائری‌زاده وارد سیاست شد و خود را کاندیدای انتخابات از یزد نمود ولی وجود افرادی مانند سید کاظم جلیلی، دکتر طاهری و سید ضیاء الدین طباطبایی مانع از این بود که حائری‌زاده وارد مجلس شود.

قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۵ حزب دموکرات ایران را تشکیل داد و حائری‌زاده نیز در آن حزب از مؤسسين بود. در انتخابات دوره یازدهم از طرف حزب مجری انتخابات در خراسان شد و خود نیز کاندیدای سبزواری گردید. مجلس پانزدهم که مخلوق قوام‌السلطنه بود، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌رفت چهره واقعی خود را نشان داد و در اولین مقاومت مجلس در مقابل رئیس دولت، حائری‌زاده نیز کم کم از او روی برگردانید و مشغول اجرای سیاست‌های خاص خود شد. در دوره پانزدهم قوام‌السلطنه خیلی زود جای خود را به حکیم‌الملک داد و حکیم‌الملک نیز کابینه را به هژبر سپرد و هژبر هم تحویل ساعد داد. حائری‌زاده در حکومت این افراد در نقش یک اقلیت تندرو قرار گرفت و با چند تن دیگر از وکلا به استیضاح و ساقط کردن دولت‌ها پرداختند. حائری‌زاده از این جهت برای مردم یک نماینده دلسوز و تا حدی مصلح قلمداد شد.

در انتخابات دوره شانزدهم قانونگذاری با کمک و مساعدت سرلشکر زاهدی، چند تن از افراد جبهه ملی از تهران به پارلمان راه یافتند. از جمله حائری‌زاده که عضو این جبهه بود وکیل مردم تهران در مجلس شورای ملی شد. دوره شانزدهم مجلس را باید یکی از ادوار تشنج دانست. اقلیت هفت